

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی نظریه پولطلا

حجت الاسلام و المسلمین علی قائمی نیک

مدرسه علمیه عالی نواب

فهرست مطالب

ب.....	بررسی نظریه پولطلا
ه.....	مقدمه
و.....	تاریخچه
۹.....	لزوم استنباط و اجرای فقه اجتماعی
۱۳.....	ارزش گذاری
۱۴.....	حفظ دارایی
۱۷.....	ابزار مبادله
۱۹.....	سیر تاریخی پول
۲۱.....	حرکت بانک‌ها به سمت دولت‌ها
۲۲.....	اشکالات به تاریخچه
۲۷.....	ماهیت پول پی‌پشتوانه
۲۸.....	بررسی صدق عنوان غصب در خلق نقدینگی
۳۰.....	تحلیل مختار از ماهیت پول
۳۲.....	نظام حواله
۳۵.....	ناهماهنگی این نظام با عصر فعلی
۳۵.....	ناتوانی در اعمال
۳۶.....	محدود شدن قدرت حکومت
۴۰.....	تعامل با جهان
۴۰.....	ابزار نظام پولطلا
۴۲.....	اقتناع فکری مخالفین
۴۴.....	سؤالات
۴۷.....	چند مسئله
۴۹.....	پاسخ

مقدمه

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی. ابتدا سلام و عرض ادب خدمت همه شما و استاد عزیز که قبول زحمت کردند و خیر مقدم خدمت شما. همان طور که مستحضر هستید، در ادامه نشست های فقهی اصولی مدرسه علمیه عالی نواب نشست امروز اختصاص دارد به موضوع بررسی نظریه پولطالا که خدمت استاد محترم حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قائمی نیک هستیم.

یک مقدمه ای ابتدا عرض می کنم و به استقبال سخنان استاد می رویم. می دانیم که تورم اقتصادی یکی از مهم ترین مسائل جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر است و این اهمیت این مهار تورم را به ما نشان می دهد. همان طور که رهبری سال ۱۴۰۲ در شعار سال این را مطرح فرمودند. نکته ای که اینجا وجود دارد، بعضی از محققین ریشه اصلی این تورم را پول اعتباری می دانند. یعنی اینکه اگر قرار است این مشکل و معضل حل بشود، باید ریال جایگزین شود یا حداقل پشتوانه دار بشود. حالا یک توضیحی در مورد خود پول: گفته می شود که پول تعیین کننده ساختار اقتصادی است. یعنی چه؟ یعنی

گاهی نوع پول این بستر را فراهم می‌کند که ثروت عادلانه تقسیم شود، امکانات عادلانه تقسیم بشود؛ ولی گاهی همین نوع پول، باعث می‌شود این بستر ظلم و شکاف طبقاتی به وجود بیاید و فراهم بشود و جامعه به این معضلات گرفتار شود.

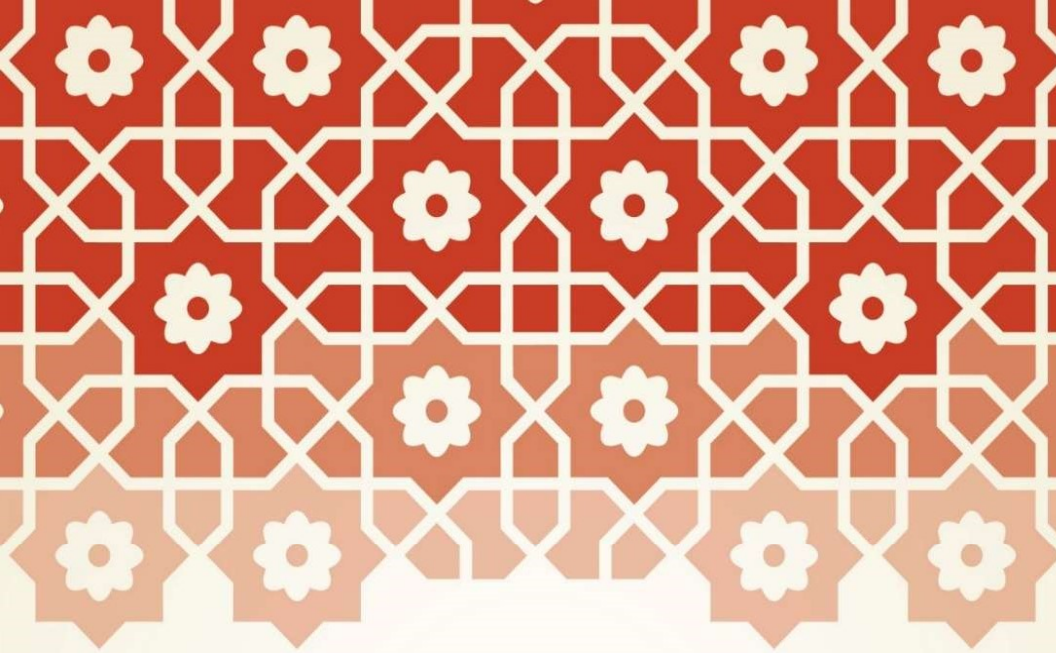
تاریخچه

طبق نظر بزرگوارانی که قائل به نظریه پول‌طلا هستند، این پول اعتباری مشخصاً بستری مناسب برای این شکاف طبقاتی یا توزیع ناعادلانه ثروت که گفته شد و یک بستر مناسب برای تشکیل نظام سرمایه‌داری است و معتقدند که ماهیت پول که به ما امکان می‌دهد که از هیچ، پول خلق کنیم. این امکان خلق پول از هیچ که زائیده این نوع پول است، این باعث می‌شود یک سری آثار منفی به دنبالش بیاید که طبیعتاً این آثار منفی مطلوب شارع مقدس نیست و اساساً این نوع پول حال حاضر، نمی‌تواند آن نوع پول شارع مقدس باشد و معتقدند که برای اینکه بخواهد جمهوری اسلامی به تمدن نوین اسلامی برسد، اساساً یک بستر پولی سالم و عادلانه باید حکم‌فرما باشد که همین نظریه پول طلا می‌شود. یک سری ویژگی‌هایی دارد که مطرح می‌شود: مهار تورم، تورم‌گریزی، تحریم‌ناپذیری یا این ثباتی که در طول سالیان و تاریخ دارد. و همچنین پس‌زدن سیاست مخرب ایجاد

پول که گفته شد از هیچ می توان پول خلق کرد و این نقدینگی که ایجاد می شود.

این یک سری نکاتی نسبت به خود نظریه. یک سری اشکالات و چالش هایی هم پیش روی این نظریه مطرح است که ابتدا همین کارآمدی اش نسبت به نوع پول اعتباری که در مقام اجرا و در مرحله اجرا با یک سری چالش هایی ممکن است روبه رو باشد که از سمت منتقدین مطرح می شود و انشالله در بیانات استاد به این چالش ها پاسخ داده خواهد شد.

استاد نظریه را که مطرح می کنند نسبت به تاریخچه اصل پول و پول اعتباری و پول طلا مطالبی را مطرح می کنند و بعد به این چالش ها پاسخ داده می شود که در مقام اجرا چه باید کرد، این ها روشن و تبیین می شود. به استقبال بیانات استاد می رویم. تقریباً ۶۰ دقیقه در خدمت استاد هستیم و بعد به مدت یک ربع یا بیست دقیقه سؤالات احتمالی دوستان پاسخ داده می شود. به استقبال بیانات استاد می رویم به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.



مقدمه استاد



استاد: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على خير خلقه حبيب اله العالمين ابالقاسم المصطفى محمد. و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين لاسيما بقيه الله فى الارضين روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين.

«ان الذين توفاهم الملائكه ظالمى انفسهم قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين فى الارض قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها»^۱ تشكر مى كنم از مركز آموزش مدرسه عالى نواب و از حضار محترم اساتيد بزرگوار، طلاب عزيز.

لزوم استنباط و اجرای فقه اجتماعى

در ارتباط با اين مسئله كه به گمان بنده تقريباً مهم ترين مسئله و دغدغه مردم ماست. جامعه روحانيت بايد دغدغه مند باشد. فقه ما فقه اجتماعى است. دستور اسلام است كه ما نگران درد مردم باشيم. «من اصبح و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم»^۲ «من سمع مناديا ينادى للمسلمين فليس بمسلم»^۳ ظلمى كه الان در جهان توسط جهان خواران و استعمارگران دارد صورت مى گيرد، مردم را وادار کرده است به سمت رهاى، سراغ اسلام بيايند. اسلام مدعى است، اين

۱. نساء، ۹۷.

۲. الكافى، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. همان.

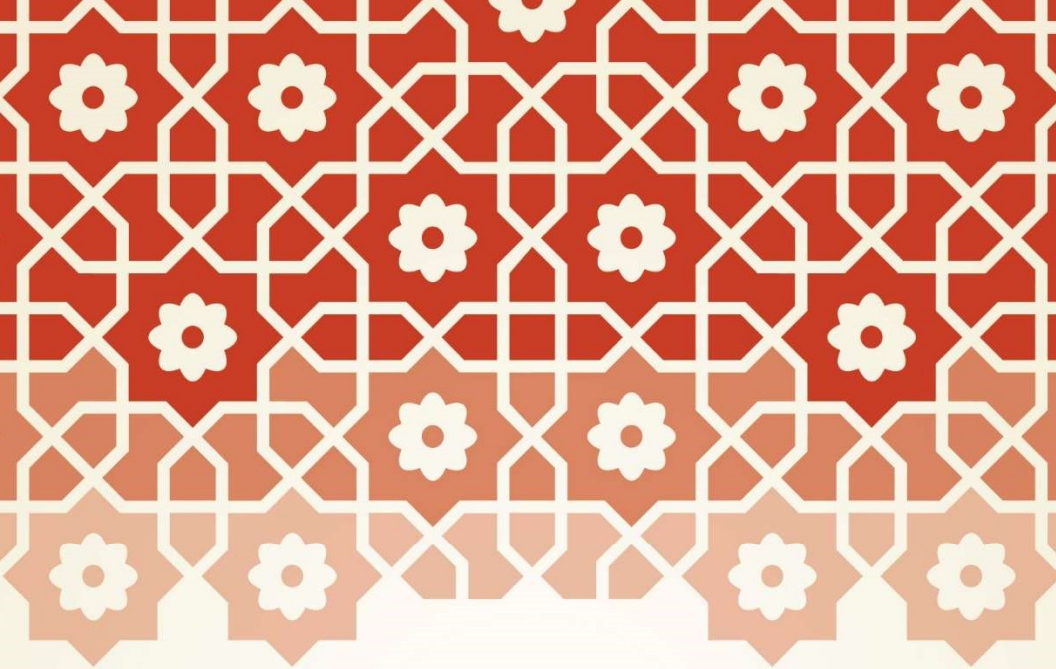
ادعا را کرده است که بهترین برنامه زندگی را برای حل مشکل اقتصادی و بحث تورم دارد که دغدغه مردم هست چه راهکاری دارد؟
 ۳۰ آبان پارسال مقام معظم رهبری این مسئله را در جمع مسئولین جامعه الزهرا به طور جدی مطالبه کردند که اسلام در زمینه حکمرانی، نظر دارد، منطق دارد، سرمشق دارد، راهنمایی دارد. در خصوص پول فرمودند که حوزه باید نظر بدهد. برای بحث پول نظر حوزه چیست؟

اشاره به این نکته شاید باشد که فقه ما که فقه اجتماعی است و مسئولیت بیان حکم شرعی را در موضوعات دارد، مسئولیت شناخت موضوعات را هم دارد. موضوعات فقهی را هم باید بشناسد و آنجایی که لازم است، موضوع سازی کند. فقه اسلام کفایت نمی کند که فقط من منتظرم که سؤالی ارائه شد، جواب بدهم. قبل از آنکه مشکلی پیش بیاید، باید فقه مسیر صحیح مشکل را پیش بینی کند و موضوع را تحلیل کند، راه حل ارائه بدهد و بعد در مقام عمل اولین کسی که به این فقه عمل می کند، جناب فقیه باشد.

بیان فقه کفایت نمی کند، تصدی اجرای فقه را خود فقیه باید داشته باشد؛ چون او عالم تر است از دیگران به زوایای مباحث فقهی. مسئله پول هم از این مباحث است. تکلیف ماست که ما زندگی را برای کمالش به سمت تقدیر المعیشه بکشانیم.

آیاتی که تلاوت فرمودند، آیات تقدیر الهی است که «کل شیء عنده بمقدار یقدر اللیل و النهار» این اندازه‌گیری‌های دقیق و با حساب، نظام عالم را تشکیل می‌دهد. نظام زندگی ما را هم باید اندازه‌های دقیق تشکیل بدهد.





ماهیت پول



ارزش گذاری

یکی از مقدارها و میزان‌ها پول است. پول اندازه‌گیری قیمت‌ها را می‌کند. در مکاسب، مبحث قیمت، یک مبحث بسیار گسترده است که اجناس با چه مقیاسی ارزش‌گذاری، ارزش‌یابی و اندازه‌گیری می‌شوند و این مسئله، مسئله بسیار مهمی است که مقیاس اندازه‌گیری قیمت‌ها، باید مقیاس کامل و دقیق و صحیح باشد. تخلف در این مقیاس، گاهی به‌عنوان خسران میزان، گاهی طغیان در میزان، گاهی به بیان استقامت میزان و قسطاس مستقیم و گاهی به بیان تویخ و «ویل للمطففین، الذین اذا اکتالوا علی الناس یتوفون و اذا کالوهم او وزنوا هم یتخسرون»^۱. در مقیاس و مکیال، در وزن، در سنجه‌ها تأکید قرآن این است که باید دقیق اندازه‌گیری شود.

تخلف در این، نظام معیشت را از آن اندازه‌گیری خارج می‌کند. تقدیر المعیشه از بین می‌رود و این یکی از پایه‌های مهم ابزاری است که در زندگی مورد نیاز مردم است به نام پول. اندازه‌گیری. تخلف در این اندازه‌گیری محاسبات را به هم می‌زند. لہذا ما به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائلی که در نظام معیشت جامعه و فرد با آن نیاز داریم، اندازه‌گیری صحیح است. واحدهای اندازه‌گیری باید واحدهای مساوی باشند تا تعداد مشخص بشود. اگر چنانچه واحدهای

۱. مطففین، ۱ تا ۳.

اندازه‌گیری دچار اختلال بشوند، ما در ارائه گزارش و خبر از اندازه یک چیز، دچار آشفتگی می‌شویم. خبرمان، خبر صادق نیست و کاذب می‌شود و کذب رخ می‌دهد که یکی از ۲۰ عنوان مشکلات بحث پول را ما این می‌دانیم. پول‌های ما گزارش صحیحی از تورم نمی‌دهند و به‌جای اینکه مردم واقعیت را درست تشخیص بدهند، خلاف باور می‌کنند. این تخلف در گزارش تورم باعث اضطراب جامعه می‌شود.

و این اضطراب جامعه خودش یکی از اهداف استعمارگران است که با اضطراب بتوانند مردم را به خرید بیشتر و مصرف‌گرایی بیشتر و چپاول بیشتر سوق بدهند. این اضطراب و این آشفتگی و این نگرانی اخلاق جامعه را فاسد می‌کند، زمینه رشد مباحث مهم اخلاقی را از بین می‌برد، جامعه را از قناعت دور می‌کند، به حرص جامعه را نزدیک می‌کند؛ چون نگرانی ایجاد شد. حرص زیاد، خرید زیاد، احتکار، اسراف، مجموعه عظیمی از مفاسد اخلاقی را پشت سر این تخلف می‌دانیم. این یکی از مهم‌ترین پایه‌های پولی ارزش‌گذاری است.

حفظ دارایی

دومین نقش پول عبارت است از چیزی که ارزش دارایی ما را حفظ کند. در مبادلاتی که کالا می‌دهیم و کالا می‌گیریم، پول آن واسطه‌ای است که برای کالای تولید شده ما و کالای مطلوب و مصرف شده ما وساطت خوبی کند و ارزش دارایی ما را حفظ کند. اگر

ابزار در این نقش خیانت کند، دارایی‌ها را از بین ببرد، طبیعتاً یک آشفته‌گی دیگری در نظام معیشت رخ می‌دهد. این آشفته‌گی عبارت است از آشفته‌گی در تشخیص نیازها، مبادلات انسان بر اساس فهم نیاز انسان است. چیزی را که نیاز دارد تهیه می‌کند، تلاش می‌کند دارایی به دست بیاورد تا با این دارایی‌ها نیازهایش را برطرف کند. اگر این نیازها کاذب شدند، نتیجه زحمت انسان هدر می‌رود.

اگر پول این استقامت و این ظرفیت حفظ دارایی را نداشت، طبیعتاً انسان دنبال آن نخواهد رفت؛ یعنی انسان کالای خودش را با بیخ در محیط باز تابستان مبادله نمی‌کند؛ چون دارد می‌بیند ارزش دارایی‌اش هدر می‌شود. با سطل و پیمانه‌ای که سوراخ هست، این مایعی که خریده است، روغن و آب و شیر و... استفاده نمی‌کند، چون آب می‌شود، کم می‌شود؛ چون این تخلف در کیل است. مراقب این نکته هست.

اما اگر به حالت اضطرار رسید، مجبور است استفاده کند؛ اما فرار می‌کند. یعنی پولی که قرار بود این نقش را ایفا کند که دارایی انسان را حفظ کند، دارایی انسان را حفظ نمی‌کند؛ انسان برای مبادله از آن استفاده می‌کند؛ اما سریع به چیزی تبدیلش می‌کند که موقتاً بهتر آن دارایی را حفظ کند؛ ولو نیاز او نیست. اینجا این پدیده رخ می‌دهد که نیازهای غیرواقعی جای خودش را به نیازهای واقعی می‌دهد.

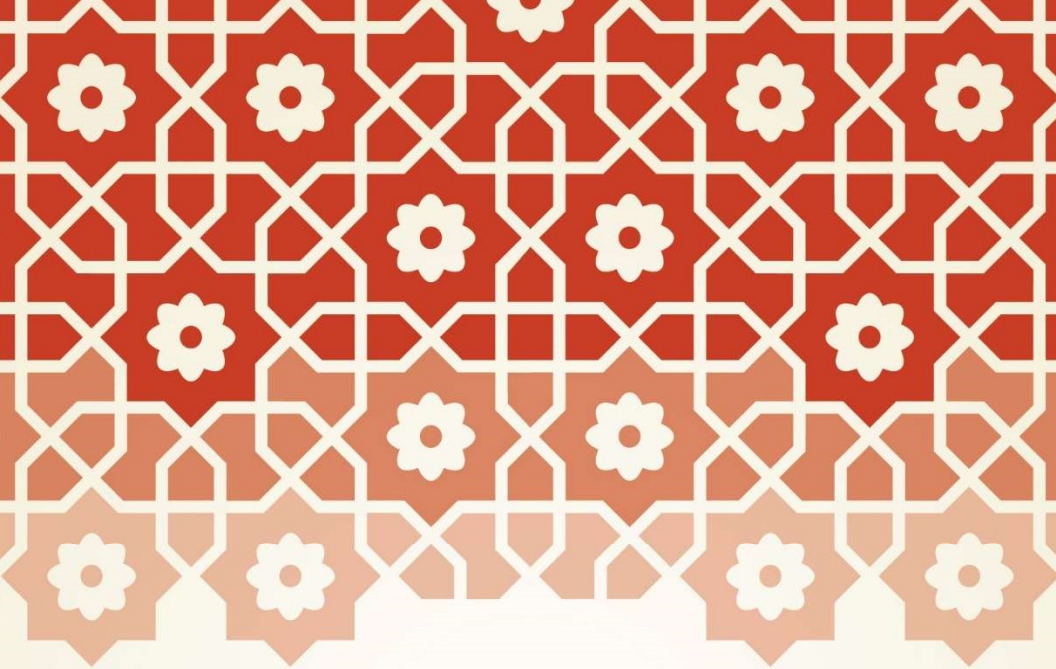
مثلاً به عنوان مثال پدیده گران شدن مسکن، بخش عمده آن به این بر می گردد که انسان دارایی خودش را تبدیل می کند به پول که آن پول نگه داشتنش ضرر هست. این را سریع تبدیل می کند به کالایی که بادوامتر است؛ آن کالای بادوامتر عبارت است از مسکن. حجم نیاز کاذب مسکن و زمین بالا می رود و این تقاضای کاذب، ارزش واقعی زمین را جابه جا می کند. کسانی که نیاز واقعی دارند، دچار آشفته گی می شوند. یکی از بحران ها، بحرانی است که این عنوان ایجاد کرده است، اختلال در وظیفه پول. وظیفه پول حفظ دارایی بود. انسان دارایی خودش را حفظ کند؛ چون این طور نیست که کالایی که تولید کرده است، الزاماً همان را مصرف کند و کالایی که نیاز دارد مصرف کند، خودش تولید کند. نیازمند به مبادله هست. برای مبادله واسطه ای باید باشد که حفظ دارایی کند. این اختلال ایجاد کرد. این اختلال طبیعتاً کالاهای مصرفی را که به مقدار نیاز تولید می شوند، تبدیل می کند به کالای سرمایه ای و کالای سرمایه ای و مصرفی دچار بحران می شود. این یک اختلالی می شود که برای جبران این، ما تکالیف بحرانی باید داشته باشیم. تکالیف در دوران بحران که کمک هایی بکنیم که این نیازها موقتاً یا به شکل محدود مثلاً برآورده شود و تأمین شود.

پس یکی از مشکلات اختلال در پول، اختلال در وظیفه حفظ ارزش و حفظ دارایی است. شد اختلال دوم. پول پس این دو خصوصیت را دارد: قیمت‌گذاری و حفظ دارایی.

ابزار مبادله

عنوان سوم، عنوان مبادله است. در عنوان مبادله آیا ما از وسیله‌ای استفاده می‌کنیم که سریع، راحت و با اطمینان این مبادله را انجام بدهد؟ طبیعتاً ابزاری استفاده می‌کنیم که اطمینان‌آور باشد و تخلف در آن کمتر باشد. پول‌های رایج این خصوصیت را دارند. امضای دو مسئول کلان، رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد، یعنی نماینده‌ای از طرف جامعه پولی کشور و نماینده‌ای از طرف حکومت ضمانت می‌کنند صحت این پول را و مردم استفاده می‌کنند و مبادلات با آن انجام می‌شود.

در صورتی که اختلالی در این مسیر به وجود بیاید، مردم استفاده نمی‌کنند و اطمینان نمی‌کنند. طبیعتاً اینجا عنوان بحثی ایجاد می‌شود که آیا این وظیفه پول، یعنی واسطه در مبادله را یک مرکز قدرتمندی باید تضمین کند که مردم به آن اطمینان داشته باشند؟ به عبارت دیگر آیا پول، حکومتی است یا غیرحکومتی است؟



تاریخچه پول



سیر تاریخی پول

بیاییم به تاریخچه پول. در تاریخ پول این طور گزارش کردند که مردمان اولیه نیازمند به مبادله بودند؛ کالا به کالا مبادله می کردند؛ اما چون نیازشان برطرف نمی شد. چه بسا کسی که تخم مرغ نیاز دارد و در مقابل گندم نیاز ندارد؛ اما مبادله این طور باید انجام بشود و مشتری نیست. دنبال یک واسطه مطلوب گشتند که مطلوبیت جمعی داشته باشد. جمع این مطلوبیت را بپذیرد.

کم کم ابزارهایی ایجاد شد؛ مثلاً بحث می کنند که صدف آمد، نمک آمد، به عنوان پول هایی که مقبولیت بیشتری دارند و بعد رسیدند به پول طلا و پول نقره. تاریخ هایی از این مسئله بیان می کنند تا اینکه می رسیدیم به این واسطه پول. پول هم که خودش واسطه بود، یک واسطه دیگری پیدا کرد که آن عبارت بود از حواله پول ها. صادرکنندگان حواله، صاحبان بانک ها بودند. معمولاً کسانی بودند که پول ها را جمع می کردند برای نزول و ربا و این ها گاهی به جای تحویل خود پول که ربا بگیرند، به جای این، حواله صادر می کردند. بعد دیدند این حواله ها همه برای پرداخت باز نمی گردند. یک ذخیره ای کافی است برای ادای بعضی از این حواله ها که می آید.

حواله های درهم و دینار که می آید، بین خود مردم مبادله می شود. اصطلاحاً دین جابه جا می شود. تحویل می شود که یک مبحث

گسترده‌ای در فقه ما، بحث حواله است. یک طلبی را از کسی به کسی دیگر واگذار کنیم. دینی را حواله کنیم. نوشته‌ای برای این باشد، مهری داشته باشد که رسید حواله است. حالا الان ما اصطلاحاً به همان حواله می‌گوییم که این‌ها رسید حواله کرد هست. گاهی در حواله هم می‌نویسند که حواله کرد.

پس حواله عبارت است از آن انشای جابه‌جایی دین. روی یک کاغذی نوشته می‌شود. دیدند که یک مازادی همیشه در صندوق هست که بازگرفته نمی‌شود. این‌ها حدود ۳۰ درصد سرمایه‌هایی است که می‌آید. بعد کمتر شد، ۲۵ درصد، ۲۰ درصد که الان ذخیره‌ای که اعلام می‌شود و بانک‌ها باید داشته باشند، ۸ درصد است. این انگیزه شد که با توجه به اینکه همه این‌ها بر نمی‌گردند، حواله اضافه چاپ کنیم. این می‌شود پول بی‌پشتوانه. یعنی حواله اگر فرض کنید صدتاست، پول هشت تا باشد کفایت می‌کند. چون هنگام مراجعه، همین ۸ درصد کفایت می‌کند. اینجا اختلالی در وظیفه سوم که واسطه در مبادله هست، رخ می‌دهد. اختلال در واسطه مبادله.

چرا؟ چون واسطه در مبادله در ابتدا کالایی بود که هم ثبات داشته باشد، ارزش دارایی را حفظ کند، هم کم نشود، ارزش دارایی را معین کند و اندازه‌گیری کند و هم تضمین کند. این تضمین از بین

رفت. بانکداران ورشکست می شدند؛ به خاطر حواله‌هایی که بیشتر از دارایی‌شان ایجاد کرده بودند.

حرکت بانک‌ها به سمت دولت‌ها

در تاریخ پول می‌گویند کم‌کم بانک‌ها به این نتیجه رسیدند که برای کمک به هم فایده ندارد که ما بانک‌های ورشکسته را تأمین مالی کنیم و به این‌ها کمک کنیم. متصل بشویم به حکومت‌ها. حکومت‌ها هم به واسطه دارایی‌شان و هم به واسطه قدرتشان تضمین کنند. اینجا نماینده‌ای از حکومت تضمین کند این حواله‌هایی که حالا اسمش را اسکناس گذاشتند. اسکناس‌ها، حواله‌های تضمین شده است. بعد هم گفتند این روش، روش خوبی است و دولت هم می‌تواند خلق پول بی‌پشتوانه کند.

این روند این‌قدر ادامه پیدا کرد تا جایی که دنیا یا حکومت دلار به اینجا رسید که لازم نیست این پشتوانه را اعلام کنیم داریم. ما اعلام می‌کنیم که این کاغذهای دلاری که صادر کردیم، پشتوانه‌اش را نمی‌دهیم. نداریم که بدهیم. کسی دنبالش نیاید.

معروف به بیانیه نیکسون است ۱۹۷۱. از آنجا به بعد برای پشتوانه چه چیزی تعیین کنیم، معرکه آراء شد و نظریات جدید پول می‌شود.

اشکالات به تاریخچه

این تاریخچه دو سه تا اشکال دارد. یکی اینکه این تاریخچه در آن خبری از انبیا نیست. در این تاریخچه گفته نمی‌شود که اولین نفری که مبادلات انجام داد، چطور انجام داد و چه کسی بود؟ نمی‌شناسند. آدم اولیه را نمی‌شناسند. در دین ما، آدم اول، حضرت آدم پیغمبر خدای متعال هست و در روایات ما آمده است، اتفاقاً اشکال دوم این است که در این تاریخ سخنی از روایات نیست. گزارش‌های دینی نیامده است. در گزارش‌های دینی ما هست که لااقل به عنوان تاریخ دینی پول باید مطرح بشود که آقا ما در پول، در نظام خلقت، پول داریم. خدای متعال، پول تعیین کرد. ذهب و فضه را به عنوان پول تعیین کرد که در مبادلات استفاده بشود. در بعضی از نقل‌های تاریخ، ضرب سکه توسط حضرت آدم داریم که حالا مقابلش هم هست که بعضی‌ها ضرب سکه را به نمرود نسبت می‌دهند؛ اما این تنها نقل نیست و نقل دیگری هم هست.

به لحاظ کلامی هم خیلی بعید می‌دانیم که ما انسان را رها شده در عالم بدانیم که مبادلاتش نیازمند به یک ابزار طبیعی هست؛ اما آن ابزار به طور طبیعی توسط خدای متعال ارائه نشده باشد و توسط عده‌ای ارائه شده باشد که این عده دچار هیجانات نفسانی هستند و تخلفات می‌کنند و برای برخورد با این تخلفات، خدای متعال نظامات

قضایای سنگین قرار داده است و ریشه مشکل را حل نکنند. این یک اشکال مهم است.

ابهام در مبدع پول

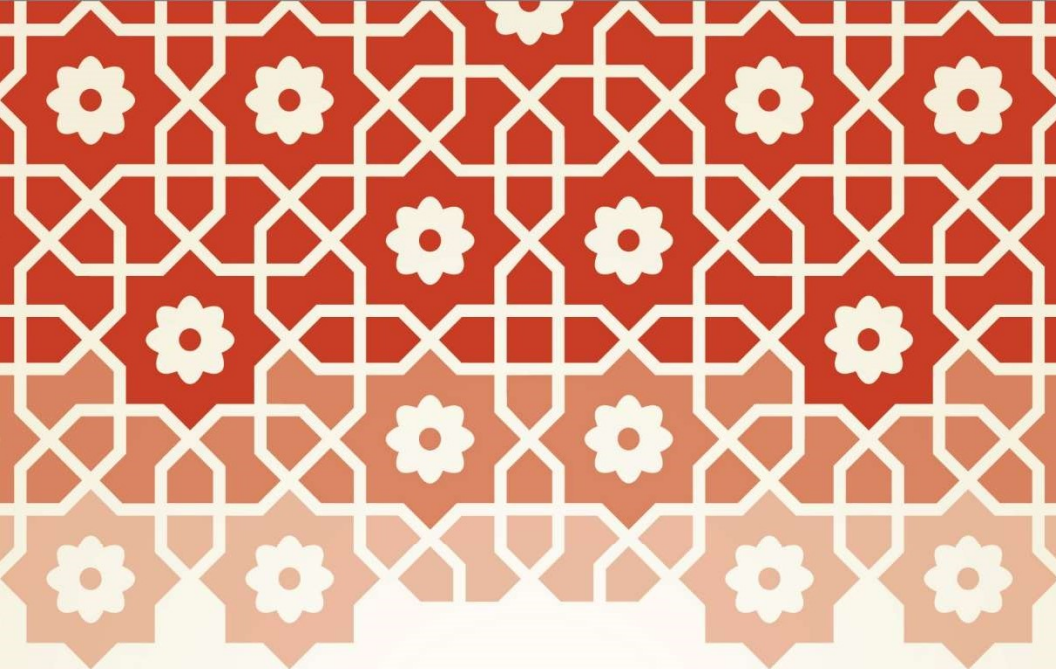
اشکال بعدی در تاریخ پول، اشکال سوم این است که در تاریخ پول ابداع پول جدید، مشخص نیست که از ناحیه چه کسی و با چه مرام و مذهبی شروع شده است. اگر در تاریخ پول ذکر بشود که این ابداع توسط مذهب یهودیان که ربا را بین خودشان حرام می‌دانند و بین دیگران لازم می‌دانند، باید ربا در بین غیریهودیان رواج پیدا کند تا دچار فساد بشوند و سلطه بر یهود پیدا نکنند. این تاریخ، مبدأ ندارد. پول جدید تاریخش کجاست؟ این مراحل متعدد بانکداری توسط چه کسانی دارد انجام می‌شود؟ چه مذهبی داشتند؟ بر چه اهدافی این بانکداری را به این شکل انجام دادند؟

بله، قطعاً بانکداری مصارف مطلوبی دارد؛ اما این مصارف مطلوب، مصرف اصلی بانک نیست. مصرف اصلی بانک، رباست. تأمین مالی پروژه‌ها، تأدیه حقوق، وصول مطالبات، این‌ها همه وظایف بانک است؛ اما نه وظیفه اصلی بانک. هدف اصلی بانک ربا بوده است. حالا این ربا اغراض متفاوتی می‌تواند داشته باشد؛ اما ماهیت اصلی‌اش رباست.

نامعلوم بودن پایان جریان بانکداری

اشکال چهارم در این تاریخ بر می‌گردد به اینکه منتهای کار چه خواهد شد؟ منتهای این جریان بانکداری آیا بانکداری با ذخیره صددرد صد خواهد بود؟ یعنی می‌شود ما یک گزارش مدونی داشته باشیم از مجموعه اقتصادی در دنیا که بانکداری‌شان با ذخیره صددرد صد است. پول بی‌پشتوانه در آنجا چاپ نمی‌شود. آیا یک چنین مداری وجود دارد یا آنچه ما تابه‌حال پیگیری کردیم، ندیدیم. یک مجموعه بزرگی در دنیا بیایند و پول با پشتوانه معین داشته باشند. بدون اینکه بعد از خلق پول بخواهند پشتوانه برایش تعریف کنند. یک معضل بزرگی است. پس تاریخ پول که تقریباً مقدار زیادی در معرفی این موضوع فقهی نقش ایفا می‌کند، تاریخ مخدوشی است. ما یک تاریخ جدیدی برای پول باید تحقیق کنیم و بر آن اساس موضوع پول را بررسی کنیم. پولی که با این خصوصیات است، آیا موضوع سلطه کفار نیست؟ آیا موضوع تبعیت کفار نیست؟ آیا موضوع غش در پول وجود ندارد؟ آیا عنوان تدفیف، خسران میزان، عنوان تدلیس، عنوان‌های فقهی که هر کدام از این‌ها نیازمند بررسی حکم آن، ادله و مناقشات و استثنائات و خصوصیات، هر کدام از این‌ها مبحث تحقیقات مستقلی است. این‌ها باید بررسی کنیم.

عناوین ثانویه مثل لاضرر و لا حرج، دایره شمول حکم حکومتی در اجرای این پول، محدوده اجرایش، هم نسبت به مقدار و هم به گستره اجرای جغرافیایی و هم نسبت به زمان تاریخی، عوامل تشکیل دهنده، عوامل محدودکننده، اینها همه مباحث فقه حکومتی خواهد بود. با این عنوان جدید اگر بخواهیم بررسی کنیم، می بینیم که عجب بحث مفصل و بزرگی شد. یعنی این طور نیست که حالا یک خلاصه‌ای از یک جایی بتوانیم تحقیق کنیم که پول این است و نظر حوزه برای پول هم این است. یک مقدار کاوش بیشتری می خواهد.



تحليل مختار



ماهیت پول بی‌پشتوانه

پول با ماهیت رسید حواله، مباحث گسترده حواله را در کتاب حواله باید در پی داشته باشد. پول بی‌پشتوانه، این خودش موضوع جدیدی است. پول‌های بی‌پشتوانه را چه کنیم؟ یعنی یک بحث اولی داریم که آیا پول بی‌پشتوانه جعل کردن و قراردادن صحیح است؟ آیا اغراضی که پول بی‌پشتوانه را مجاز می‌کند، صحیح است؟ اغراض اولی است؟ اغراض اضطراری است؟ این‌ها باید بررسی بشود.

نظریه‌ای که می‌گوید پول مانند پیاز است. تولیدکننده پیاز حق دارد در ملک خودش تصرف کند، پیاز را بکارد، زیاد بشود و بعد بفروشد. ازدیاد پیاز ارزش پیازهای دیگر را کم می‌کند. بانکی هم که تولید پول می‌کند، ارزش بقیه پول‌ها را کم می‌کند. همین‌طور که تولیدکننده پیاز مشمول قاعده لاضرر نیست، تولیدکننده پول هم مشمول قاعده لاضرر نیست یا نه، پول فرق می‌کند. پول تولید یک محصول نیست. به هر حال کسی که پیاز تولید کرده است، ثروت دارد، ولو ارزش ثروتش کم شود؛ بالاخره این پیاز که کم نمی‌شود.

اما وقتی حواله جعلی و بی‌پشتوانه، پول بی‌پشتوانه آفریده می‌شود و بی‌اعتبار می‌شود، چه بلافاصله وارد حساب‌های جاری بشود و تأثیر تورمی ایجاد کند و چه در حساب بماند و وارد نشود، یا برود به حساب‌های سپرده کنترل بشود، مدیریت بشود؛ اما واجد ارزش هست.

این حواله‌ای که صادر شد، ارزشش چیست؟ فاقد ارزش نیست قطعاً. این واجدیت ارزش جایی نیست که خلق ارزش به پول کند. اعتبار صادرکننده، قدرت ندارد ارزش ایجاد کند. یا باید حواله‌ای از دارایی خودش باشد که پول با پشتوانه می‌شود یا اینکه ارزش بقیه دارایی‌ها را کم کند. یک تحلیل دقیقی را اینجا باید خدمت شما ارائه کنم.

بررسی صدق عنوان غصب در خلق نقدینگی

ما در باب بحث دین و ادای دین این مسئله را داریم که مدیون باید دین را، دین دائن و طلبکار را ادا کند. اگر دارایی او به ادای دین او نکشید، حکم به افلاس می‌شود و این آقای بیچاره از معاملات محروم می‌شود. معاملاتی که دارایی او را کم کند. اموالش احصاء می‌شود و تقسیم می‌شود این اموال به نسبت به مقدار طلب‌ها. اصطلاحاً این آقا ورشکسته است. تبعاً طلب‌ها ارزشش پایین می‌آید. اگر کسی مثلاً ده واحد حالا ما با دینار بحث کنیم، ده دینار طلب داشت و سهم دارایی نسبت به بدهی نصف بود، پس علی‌القاعده به ایشان ۵ دینار می‌رسد، این خاصیتی که پول بی‌پشتوانه ایجاد می‌کند، این نکته است که پول بی‌پشتوانه وقتی آمد، دارایی بقیه پول‌ها را بر می‌دارد. این عملیات چون بدون رضایت صاحبان دارایی قبلی هست، تصرف در مال آنهاست. اگر عنوان غصب را به لحاظ فقهی، منحصر در تصرف فیزیکی دانستیم، طبیعتاً عنوان غصب در اینجا صادق

نیست؛ اما اگر عنوان غصب را عنوان عرفی دانستیم، صاحب جواهر می‌گوید غصب عنوان عرفی است. هر جا عرف تصرف در مال غیر حساب کرد، کارت می‌کشد و دو تا دکمه، چند تا دکمه در این پوز می‌زند و حساب طرف را در حساب خودش خالی می‌کند. این تصرف حتی در سرور بانک هم نکرد. تنها تصرفش در دکمه‌های پز بوده است. تصرف فیزیکی‌اش همین است؛ اما اعتبار جابه‌جا شد.

عرف این را تصرف می‌داند و می‌گوید آقا چرا دزدی کردی؟ چرا سرقت کردی؟ همین عملیات سر خلق پول بی‌پشتوانه اگر قابل تصدیق باشد. پس این بحث یک مقدار استمزاج عرفی می‌طلبد. از عرف سؤال کنیم آیا شما این مسئله را قبول دارید؟ این خودش کار فقهی است. کار فقهی است که آیا این موضوعی که حکم بر آن بار می‌شود، موضوع اینجا مصداق عرفی پیدا می‌کند یا نمی‌کند، این از مواردی است که نیازمند به کمک فقیه است. اصطلاحاً موضوع، مستنبطه می‌شود تا چه دایره‌ای را فهم عرف شما دخیل می‌دانید؟ تعیین دایره فهم عرف، موضوع مستنبطه می‌شود. آیا موضوع غصب بر این عملیات خلق پول بی‌پشتوانه صادق است یا نه.

اگر صادق شد، پول خلق شده بی‌پشتوانه عنوان مغضوب پیدا می‌کند. خب این تحلیل خیلی فرق کرد با تحلیل پیاز.

کما اینکه با تحلیل دیگری که پول را مانند تمبر می‌دانند. می‌گویند پول، کاغذ اعتباردار ارزش‌دار است. ما آن را می‌دانیم. این هم متفاوت است.

تحلیل مختار از ماهیت پول

یا اینکه تحلیل مختار که عبارت از این است که پول‌ها، تعهدهای تخلف شده‌اند. ما تاریخ پول را نگاه کردیم، دیدیم این حواله سکه است. این پول‌های بی‌پشتوانه هی آفریده شد، تعهدهای بی‌پشتوانه آفریده شده است. این تحلیل چهارمی برای پول است. این تعهدهای آفریده شده، تعهد را باطل نمی‌کند، ادعای اینکه آقا صاحبی

کسی که این تعهدها را عهد کرده است، بانک است، دولت است، حالا چاره ندارد، چه کار کند؟ شما باید از بدیهی‌تان بگذرید دیگر. ورشکسته شده. ادعای ورشکستگی نیازمند به اثبات است و ما تاریخ بانک را که نگاه می‌کنیم، چیزی به اسم ورشکستگی واقعی نمی‌بینیم. چرا؟ به خاطر اینکه پول‌هایی که خلق شده و اعتبار شده، مصرف عینی پیدا کرده، اعیانی به آن خریده شده و این بدهی، بدهی غیرقابل‌وصولی نیست، ولو سخت باشد. لاقلاً اگر از ناحیه رئیس بانک، این مخدوش باشد، یعنی بدهی غیرقابل‌وصول تشخیص داده شود، از صاحب امضای دوم که دولت هست، به سختی می‌شود پذیرفت که این بدهی غیرقابل‌وصول باشد؛ مگر جمع بدهی را نسبت

به کل دارایی محاسبه کنیم. جمع بدهی بیشتر باشد. مثلاً اعلان شود که فلان کشور میزان بدهی اش، ۲۰۰ برابر، ۳۰۰ برابر کل دارایی اش است. اینجا بله مقبول است؛ اما منوط به اینکه کسانی که این دارایی را جای دیگر بردند، اموال دیگر داشته باشند یا نداشته باشند.

با این تحلیل موضوع مسئله که ما پول را تعهد تخلف شده بدانیم، پس بنابراین پول‌ها حواله‌های سکه هستند و این مطالبه سکه باقی است؛ ولو طرف زور دارد، قدرت دارد و مطالبه را نمی‌دهد. ما عرض کردیم که تاریخ ریال را که بررسی می‌کنیم، تعهد صد دینار است. بیش از صدسال پیش. تعهد یک صدم گرم طلا است، برای ۱۳۵۱ و در پیرسال به نظرم این تعهد کلاً حذف شد. این تعهد از قانون پولی جدید حذف شد. پول یک مفهوم جدیدی شده است. این قرار است مفهوم جدید، آیا تعهدهای سابق و مالکان ذمه سابق را مجبور می‌کند که این‌ها دست از طلبشان بردارند؟ یک معضل فقهی و حقوقی است. یعنی ما در بحث حقوقی طبیعتاً علاوه بر پیگیری فتوای مقام معظم رهبری که جبران کاهش ارزش پول به لحاظ تورم است، هم در دیون شخصی مثل مهریه و... و هم در دیون عمومی مانند بدهی بانک‌ها، این را باید مطالبه جدی حقوقی داشته باشیم و ادله حقوقی برای ادای دین، این را مخدوش کنیم.

مثلاً اگر قانونی می‌گوید بانک به میزان عددی که پول گرفته است، به همان میزان ادا کند، ادای دین صورت گرفته است، اطلاق این محل مناقشه باشد که در دو فرض این را فرض می‌کنید: فرض تورم و فرض عدم تورم.

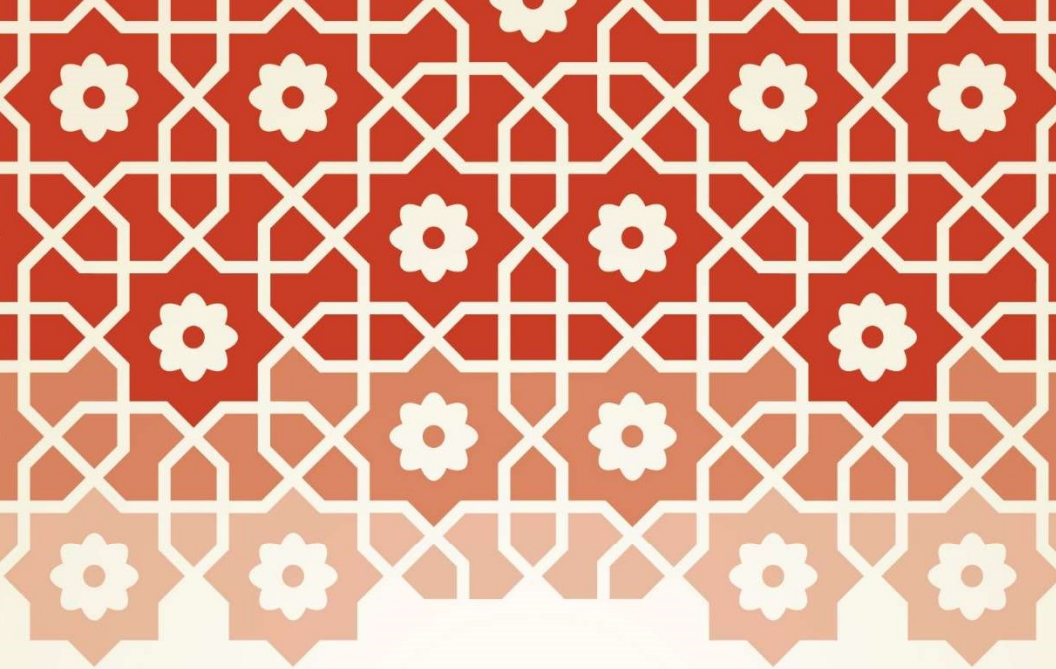
در فرض عدم تورم قانون صحیح است؛ اما در فرض تورم، نصوصیتی ندارد و به اطلاق اخذ می‌شود. طبق قانون ادای دین شده است، چه تورم باشد و چه نباشد. یک قانون بالادستی، قانون لاضرر اینجا باید حاکم باشد که در فرض تورم نه، اینجا نباید این کار را بکنید. آقای دکتر اخلاقی یک قولی به ما دادند که در مجلس پیگیر این مسئله باشند.

نظام حواله

اما برگردیم به نظامی که ما در پول اعتقاد داریم، نظام حواله. در نظام حواله این بدهی باید میزان معینی داشته باشد. چرا؟ چون دین تا متعین نباشد، تا متعین واقعی نباشد، مبادلات، مبادلات ناصحیح است. مثلاً جنسی که می‌خریم، مقدار ثمن یا مقدار مثن معلوم نباشد، معلومیت واقعی لااقل، این معامله باطل است. در اجاره، مقدار اجاره و مقدار عمل یا مقدار منفعت، اگر معلوم نباشد، اجاره باطل است و امثال این‌ها.

طبیعتاً این حواله‌های دیونی که عنوان پول به خودش گرفته است، باید میزانش معلوم باشد و ثبات داشته باشد. هم به لحاظ تاریخی عرض کردیم درهم و دینار این خصوصیت را دارد و هم به لحاظ احکام شرعی ما یا تأسیسا که ادعایمان است یا لاقلاً امضائاً، ما پول شرعی داریم و در فرض اینکه شک کنیم ماهیت عوض شده است، بالاخره پول‌ها جایگزین شده است، ولو به زور. قانون ۱۳۰۸ آمده است به زور این تغییر را ایجاد کرده است و ماهیتاً تغییر پیدا کرده است، تا احرار تغییر نکرده باشیم، یعنی موضوع مطالبه ما در طلب دینمان به عنوان یک حکم شرعی، موضوع احرار تغییر نداشته باشد، طبیعتاً طلب ما به استصحاب همان طلب سابق خواهد بود.

هم استصحاب در ناحیه موضوع که یعنی دین ما همان دین سابق است، هم استصحاب در ناحیه حکم، یعنی حکم وجوب ادا باقی است. این نسبت به مسئله پول که ماهیت پول را چه می‌دانیم.



پاسخ به اشکالات و سؤالات



ناهماهنگی این نظام با عصر فعلی

یک اشکال دیگر مربوط می‌شود به اینکه این نظام، اولاً یک نظام قدیمی است و دنیا تغییر کرده است. شما با نظام قدیمی نمی‌توانید دنیا را تغییر بدهید و نمی‌توانید اصلاً حرکت کنید. زندگی نمی‌توانید بکنید. نظریه پولطالا نظریه منسوخ شده است. جوابش این است که ناسخ این نظریه را شما به ما معرفی کنید، خداست یا مردم؟ اگر جبر تاریخی است مثل حرف‌هایی که کمونیست‌ها می‌گفتند، جبر تاریخی است. بله جبر تاریخی است و خدا این کار را کرده است.

اگر مردم این کار را کردند، این قوانین را مردم درست کردند، مردم هم می‌توانند قوانین را تغییر بدهند. آن مردم منحصرأً غربی‌ها نیستند، شرقی‌ها هم می‌توانند مردم باشند. منحصرأً یهودی‌ها نیستند، مسلمان‌ها هم می‌توانند این نظام را عوض کنند. این مسئله مهم.

ناتوانی در اعمال

گاهی می‌گویند شما در این جمعیت جهانی قدرتی ندارید که تغییر بدهید.

جوابش این است که قدرت، منوط به استفاده از قدرت است. کسی که قدرت داشته باشد و استفاده نکند، انگار قدرت ندارد. جمعیت مسلمانان، قدرت مبادلاتی که می‌تواند داشته باشند، استقلال طلبی آن‌ها و عزت طلبی آن‌ها و بعد استفاده از ظرفیت‌های اسلامی یک

قدرت بسیار عظیمی به مسلمان‌ها می‌دهد. این ظرفیت هست. استفاده کنیم. پس می‌شود تغییر داد.

ثانیاً این تغییر لازم نیست انفجاری صورت بگیرد. گام‌به‌گام صورت می‌گیرد. گوشه‌کنار عالم به این سمت دارند می‌روند. حتی غربی‌ها دنبال این پول هستند و آن را اساساً آن‌ها اسم می‌گذارند به اسم پول خدا. یعنی آن‌ها هم معتقدند که این ظرفیت هست و کارهایی را کردند، در شرق دور هم کارهایی دارد انجام می‌شود، روی زمینه دارند فعالیت می‌کنند. پس این مسئله، مسئله بسته‌ای نیست برای اینکه تغییر نمی‌شود داد. چرا باید تغییر داد؛ اما گام‌به‌گام حرکت کرد.

محدود شدن قدرت حکومت

اشکال بعدی این است که شما برای تغییر پول، قدرت حکومت‌ها را محدود می‌کنید و حکمرانی نیازمند این قدرت هست. با پول و با خلق پول می‌توانید قدرت داشته باشید. روزانه هشت همت، یعنی هشت هزار میلیارد تومان خلق پول دارید. این قدرت اگر گرفته شود، حکمرانی چگونه می‌تواند معامله کند؟

ثالثاً این قدرت می‌رود سمت تولید. بدون خلق پول شما تولید ندارید و بدون تولید کلان، شما قدرت مدیریت جهانی‌تان، مبادلات جهانی‌تان را از دست می‌دهید، ضعیف می‌شوید و زیر سلطه خواهید ماند. شما نیازمند قدرت هستید؛ این قدرت حاصل از تولید است و تولید

هم حاصل از خلق پول است. با تبدیل پول از ریال به طلا قدرت خلق پول را از بین می‌برید.

عرض ما این است که اولاً خلق پول به عنوان خلق بدهی همیشه بوده و همیشه هم خواهد بود، عیبی ندارد که شما طبق یک قراردادی یا بدون قرارداد و ابتدابه ساکن، ایجاد بدهی کنید. حالا معمولاً در وعده، وعده ابتدایی ادای دین را واجب نمی‌دانند؛ بعضی از فقها هم می‌گویند شما می‌توانید از ابتدا عقد ضمان ببندید، ضمان نه به معنای ضامن دین دیگری شدن، عقد ضمان یعنی ایجاد دین. می‌شود این کار را کرد. فقهایی هم که می‌گویند حتماً باید طبق یک معامله‌ای باشد. مثلاً ثمن یک جنسی باشد در بیع. مالی در ازای یک اجاره‌ای صورت بگیرد. شرط ضمن یک عقدی صورت بگیرد تا ایجاد دین بشود. این دین‌ها که به عقد ایجاد می‌شود یا دین‌هایی که به اسباب دیگری ایجاد می‌شود، مثل خسارت زدن‌ها، یا تسبیب، اتلاف و عوامل متعددی که برای دین بیان شده است.

پس خلق بدهی اشکال ندارد. خلق بدهی اشکال دارد که انسان تصرف در مال غیر بدون اجازه بکند، صدمه می‌زند مثلاً. اتلاف مال غیر می‌کند یا اینکه قدرت بر تسلیم آن نخواهد داشت. شما می‌توانید جنسی بخرید و وعده بدهید ادای دین را اگر قدرت بر تسلیم داشتید. اما اگر قدرت بر تسلیم نداشتید، نه معامله شما باطل است و ایجاد دین

نمی‌شود. پس خلق بدهی فی‌نفسه اشکالی ندارد. خلق بدهی اشکال دارد که این بدهی را نمی‌شود شما پرداخت کنید و بعد مسئله ورشکستگی و تنزل ارزش این حواله‌ها و پول‌ها رخ می‌دهد. اینجا مشکل است.

مسئله بعدی این است که اگر دولت‌ها بفهمند که خلق بدهی می‌کنند و این خلق بدهی کاهش ارزش دارایی مردم است و بدون اجازه مردم است و عنوان غصب بر آن صادق است، لاقلاً عنوان اضرار بر آن صادق است، نباید انجام بدهند. هزینه‌های ضروری را با مالیات‌ها بگیرند. مالیات پنهان فی‌نفسه اشکال دارد؛ هم از لحاظ تدلیس و هم از لحاظ نفس اضرار. مالیات باید شفاف باشد، علنی باشد، محاسبه شده باشد. مالیات پنهان بی‌حساب است و مشخص نیست چه مقدار برداشته می‌شود. این هم نسبت به مقدار بدهی‌هایی که ملاحظه می‌فرمایید این تخلف دارد صورت می‌گیرد.

سودمندبودن محدودیت

پس حکومت‌ها اگر دستشان نسبت به این تخلف بسته بشود، به نفع حکومت‌هاست. حالا یک شاهد مثالی عرض کنم. مثلاً اعلان شده بود که کسری بودجه پارسال، اول پارسال اعلام کردند، حدود سیصد همت است؛ حالا بیشتر هم شد. این سیصد همت را ما نسبت زدیم به مقدار نقدینگی اضافه شده، یعنی خلق پول بی‌پشتوانه که دو

هزار همت بود. حدود یک هفتم می شود؛ سیصد نسبت به دو هزار. یک هفتم، می شود سهم دولت از خلق نقدینگی؛ اما شش برابر آن از ناحیه دولت خارج است و چون این را دولت برای مصرف خلق می کند، فاصله دارد. عملاً مثل ماها که میزانی که یارانه می گیریم مثلاً ۳۰۰ تومان تا هنگام مصرف گاهی دچار تورم می شویم، گاهی دچار تورم می شویم؛ به نحوی که احساس می کنیم گاهی دو برابر یا سه برابر از مبلغی که به ما دادند، به عنوان تورم برداشتند.

شما همین دو هزار همت را سرانه کنید، نفری مثلاً روزانه هشت هزار میلیارد تومان، هشت همت، نفری به هشتاد میلیون تقسیم کنید، حدود صد هزار تومان می شود، ماهانه سه میلیون تومان. سه میلیون تومان ما به واسطه خلق پول به عنوان گرانی از دارایی ما برداشته می شود. سیصد تومان به عنوان نیاز حکومت، یارانه به ما داده می شود که جبران بشود؛ ولی سیصد تومان نسبت به سه میلیون تومان، یک دهم است. خیلی...

همین مسئله را شما می توانید در ناحیه دولت محاسبه کنید که دولت به گمان بنده از خلق پول متضرر است. پس این عنوان که حکومت ها نیازمند به خلق پول هستند و نظریه پولطلا مخالف این جریان است، به نظر ما موضوعیتی ندارد.

تعامل با جهان

اشکال بعدی که در این مسئله وارد می‌شود این است که در نظام جهانی شما قدرت فعالیت ندارید. وقتی نظام جهانی بر اساس پول‌های اعتباری و مبادلات با کدهای سوئیفت و امثال این‌ها دارد صورت می‌گیرد، نظریه پولطلا اصلاً امکان اجرایی ندارد. جواب این است که اولاً سوئیفت که همین اخیراً نهاد چینی جایگزین برایش پیدا شد با زمان کمتر و هزینه کمتر. انحصاری نیست. ثانیاً مبادلات الزاماً مبادلات کنترل شده منحصر و انحصاری نیست. می‌شود مبادلات غیرانحصاری انجام داد. می‌شود این کار را کرد. چنانچه با مبادلات بنزین به ونزوئلا پنج کشتی را با طلا انجام دادیم آن هم در اوج تحریم‌ها و تهدیدها. امکان‌پذیر هست. یا مبادلات قیر ما به مصر با مبادلات طلا انجام می‌شد که اخیراً با یک بخشنامه‌ای ممنوع کردند. این کار قابلیت دارد و عرض کردیم نظام پولطلا نظام انفجاری نیست و گام به گام هست.

ابزار نظام پولطلا

مسئله بعدی هم شاید برگردد به اینکه با چه عنوانی شما می‌خواهید نظام پولطلا را اجرایی کنید؟ با چه ابزاری؟ دومرتبه ما کیسه‌های زر داشته باشیم و زحمت نقل و انتقالات را داشته باشیم یا نه با فرغون ببریم و شترها و... با این‌ها چه کار می‌خواهید بکنید؟ زمان

ائمه عليهم السلام هم که همه اش فیزیکی نبود. ما نظام سکوک را داریم. همین عنوانی است که یکی از وجوه مبادلات اسلامی سکوک هست.

سکوک همین چک هاست. عنوان دیگری که در روایات داریم، سفته است. سفاتج. اصول کافی را نگاه کنید، اصول کافی مال ۱۲۰۰ سال پیش است. این نظام حواله بود. حواله های قدیم، حواله های یک صیرفی با یک صیرفی دیگر با مهر و امضای خاص بود، حواله های الان حواله های الکترونیک است با امضاهاى بسیار سخت و رمز نویسی بسیار سنگین و توکن شده دارد انجام می شود. مشکل ما این است که این حواله ها متعلقى ندارند جز اعتبار. اعتبار هم که سهل المئونه است. شما می توانید اعتبار کنید؛ مثلاً تتر را دوبرابر، می توانید اعتبار کنید نصف. قابل اعتبار است و مکانیزم های متعددی دارد برای بالا پایین کردن. طبیعتاً یک سؤال دیگری اینجا مطرح می شود که اگر شما آمدید طلا و نقره را با حواله ها جابه جا کردید، دوباره بر می گردیم سر خط اول و تاریخ تکرار می شود.

صاحبان این حواله دوباره می شوند همان خاندان مدیچی و روچیلد و... باز شروع می کنند حواله زیاد صادر می کنند و نمی توانند پاس کنند و می گویند ما زدیم زیر میز و دوباره بیاید همین دلارها را جایگزین کنید و همین می شود.

جواب این است که نباید می‌شد. اینکه شد چون آن‌ها زور داشتند. اگر یک مالی را از ما دزدیدند، بعد ما می‌گوییم این خانه امن نیست، قفل نزنیم. هر چه قفل بزنیم، دزد آن را می‌کشند. این کار را نمی‌کنیم. تا جایی که ممکن است، مقابله می‌کنیم. این نظام پولطلا ادعا ندارد که دزدی از بین می‌رود. نظام پولطلا ادعا ندارد که تقلب در سکه از بین می‌رود. نظام پولطلا ادعا ندارد تمام مشکلات اقتصادی را حل می‌کند. نظام پولطلا ادعا ندارد که در این نظام این همه مشکلات تورمی نخواهیم داشت. ما می‌خواهیم برای حل مسئله این بعدی که تصور ماست، الان حجم زیادی دارد، کم بشود. این بعد، بعد مهمی است و به نظر ما این صورت انجام می‌شود و به طور اختصار عرض کنم، برای اجرایی کردن دو مرحله داریم:

یک مرحله، مرحله حکومتی است که تغییر کلمه را در قانون تقاضا داشتیم و داریم و اجازه‌های قانونی این مسئله که تا حدی این اجازه‌ها داده شد؛ مثلاً بحث سکه مبادله بشود، اجازه داده شد، ذخیره طلا بشود، اجازه داده شد، مبادلات با طلا و هنوز بخش سومی که قیمت‌گذاری با طلا باشد، مشغول اجرایی شدن است.

اقناع فکری مخالفین

نکته بعدی قانع کردن کسانی است که خلق پول می‌کنند، به مضرات خلق پول این‌ها را آشنا کنیم، مردم را مطالبه‌گر کنیم. این

مسیر حکومتی است. یک مسیر مردمی هم داریم که موفق‌تر خواهیم بود. آن این است که مردم آهسته‌آهسته نقش‌های پولی‌شان را جایگزین کنند. مثلاً قرض‌الحسنه‌های خانوادگی را آغاز کار می‌دانیم. قرض‌الحسنه‌های خانوادگی می‌تواند تبدیل بشود به قرض طلا. باتوجه‌به مسئله‌ای که در قرض، قبض لازم است، قبض طلا به‌عنوان واسطه یا مستقیم صورت بگیرد.

مسئله بعدی حقوق طلاست که ما از عزیزان تقاضا کردیم که تقاضا کنند شهریه‌شان واریز کنند به حساب‌های طلایی؛ چون پول در هر روزی یک هزارمش کم می‌شود. شما ده سال که حساب کنید، می‌بینید کلی از پولتان کم شد؛ اما چون کم‌کم است، دیده نمی‌شود. مسئله بعدی، مسئله رهن طلاست برای اجاره‌خانه. مسئله بعدی، مسئله قیمت‌گذاری است و نرم‌افزارها هم که زیاد شده است و با دقت زیادی که باید هر کسی نسبت به مال خودش داشته باشد، چه طلا باشد که در جیبش را نگاه کند سوراخ نباشد، نرم‌افزار ببیند، نرم‌افزار هم سوراخ هست و مراقبت دائم داشته باشد. بی‌گدار به آب نزنند. این ۵ مرحله را برای اجرایی کردن انجام دادیم.

انشالله خدای متعال، ما که از این دنیا رفتیم مخاطب این آیه نباشیم «ان الذین توفاهم الملائکه ظالم انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الارض» عرض می‌کنیم به محضر ملائکه که

خدایا، ما تحت ظلم بودیم، چه کار کنیم؟ مجبور بودیم! «قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها» باز بود، بسته نبود. یک مقدار زحمت داشت که از خانه و کاشانه تان حرکت کنید و مهاجرت کنید. انشالله مهاجرت به سرزمین پولطلا ما تورم و عامل آن مفاسدی که عرض کردم را کم کند. عذرخواهی می کنم. صلواتی ختم کنید.

سؤالات

مجری: با تشکر از بیانات استاد محترم که نظریه را کامل و جامع شرح و بسط دادند. هر کدام از دوستان سؤالی دارند مطرح کنند؛ میکروفونشان را روشن کنند که دوستان مجازی متوجه بشوند.

طلبه: پشتوانه اصلی باید طلا باشد؟

استاد: پس سؤال این شد که منحصراً باید پشتوانه طلا باشد یا می تواند کالای تولیدی باشد و وقتی کالای تولیدی شد، چه اصراری دارید به نظام پولطلا.

عرضم این است که اگر ما نگاه کنیم به صحنه اجتماع، الان ارزش پول را به واسطه تولید کمتر می بینیم یا بیشتر می بینیم؟ پس قطعاً این اتفاق نیفتاده است. باید بیفتد؛ ولی نیفتاده است. چرا نیفتاده است؟ ادعای ما این است که ما انگیزه برای اتفاق افتادن این نیست. چون وقتی شما یک پولی دادید به طرف، هم می تواند تولید کند، هم می تواند تولید نکند و شما نمی توانید مدیریتش کنید.

یعنی نظام تولیدی شما، دولتی هم که باشد، رانت دارد. دقت می‌کنید؟ دست آدم‌های معصوم که نمی‌دهیم. رانت دارد. تازه، دولتی باشد. خصوصی که هیچ. آن نگاه می‌کند ببیند که کدام یکی فایده‌اش بیشتر است. پس بنابراین هر چه هم کنترل داشته باشید، چون انگیزه صد در صدی برای تولید نیست، پول شما بی‌پشتوانه خواهد شد. یعنی درصد تولیدتان برای پشتوانه، به صد نمی‌رسد. این طور نیست که صد درصد شما به تولید منجر شود؛ پس پول بی‌پشتوانه خواهید داشت، چنانچه که دارید.

اما اگر پشتوانه معین شد، دیگر معین شده است. شما به عنوان مطالبه دقیق سراغش می‌روید. ۵ گرم طلایم را باید بدهید. همین طور که الان شما یک چک ۵ تومانی دارید، اگر ۴ تومان به شما بدهد، یک تومانش را بالاخره باید بگیرید.

اما اگر سرتان کلاه رفت، این ۵ تومان غیر از آن ۵ تومان شد، دیگر نمی‌توانید احقاق حق کنید. نظام پولطلا این خصوصیت را دارد که می‌گوید در نظام‌های موجود امکان تقلب بیشتر از نظام پولطلا است.

طلبه: [صدا واضح نیست].

استاد: زمان بانک دولتی هم داشتیم. بانک خصوصی که سال ۸۵ است. بانک دولتی منحصراً، از سال ۵۸ تا ۸۵ ما بانک دولتی

داشتیم و خلق پول هم داشتیم، خلق پول بی‌پشتوانه داشتیم. نه، این ادعاست که به نظر ما اجرا شدنی نیست.

طلبه: بسم الله الرحمن الرحيم. فرمودید که طلا محدودیت دارد و به جای اینکه ما نظریه پولطلا را به صورت کامل اجرا بکنیم، خلق بدهی را به جایش جایگزین کنیم.

استاد: خلق بدهی طلا، نظام پولطلاست.

طلبه: خب خلق بدهی طلا تا جایی ممکن است که قابل پرداخت باشد؛ اما ما نقدینگی که الان داریم، پولی که در کشور در جریان است، هر چه قدر هم ما بتوانیم زور بزنیم، آن خلق بدهی که انجام می‌دهیم، خیلی بیش از توانایی ما نسبت به پرداخت است.

استاد: چون می‌توانیم. چون می‌توانیم، انجام می‌دهیم دیگر. ببینید الان ما دو هزار همت خلق پول کردیم، چون می‌توانیم. شما این دو هزار همت را خلق طلا کنید، یعنی بدهی طلا خلق کنید. طرف بیچاره می‌شود. به خاطر همین الان هم یکی از مشکلات همین طرح ما برای قرض الحسنه طلایی می‌گوید که این طرف که ماه اول، پول را گرفت، اگر بخواهد طلا پس بدهد که به ضررش است. چرا؟ چون در این قرض الحسنه‌های خانگی، نفر اول سود می‌کند از هیچ. از پول دیگران دارد سود می‌کند؛ در حالی که هیچ تولیدی نکرده است.

یکی از مشکلات ماست. اگر همین مشکل را برای بانک‌ها ایجاد کنید، طبعاً قدرت خلق پول بی‌پشتوانه از آن‌ها گرفته می‌شود. چرا؟ چون باید بابتش طلا بدهد. یک بار یا دوبار یا سه بار تخلف کند، باز هم به عنوان ورشکسته محاکمه می‌شود؛ اما شما الان با این پول‌ها محاکمه معنا ندارد؛ چون ادای دین می‌کند.

طلبه: باز هم که تولید ضربه می‌خورد. شما می‌گویید دیگر خلق بدهی نباید باشد...

استاد: تولید با پول غصبی ضربه می‌خورد؛ اما تولید با پول حقیقی در طول تاریخ انجام می‌شده است و انجام خواهد شد. این ادعای ماست.

چند مسئله

طلبه: سلام‌علیکم. خیلی تشکر می‌کنم از بحثی که مطرح فرمودید. نظریه خیلی درست و حسابی است؛ اما آن بحثی که ما داریم این است که: بینید مردم یا کارمند و حقوق‌بگیر هستند یا وابسته به کارنده‌است؛ یعنی اگر طرف کارمند نباشد، وابسته به کارنده‌است. پس مسئله در سطح حاکمیتی باید حل بشود. در سطح حاکمیتی مشکلی که هست، این است که تنفس دولت از چه راهی است؟ از چه راهی دارد نفس می‌کشد؟ از راه همین خلق پول دارد نفس می‌کشد. به چه صورت؟

به این صورت که دولت دارد با صادرات نفتی و... دلار در می‌آورد و به ریال دارد خرج می‌کند؛ فلذا موقعی که بدهی‌هایش ناترازی می‌خورد با پایین آوردن قیمت ریال، با یک هزینه کمتر دلاری، بدهی‌های ریالی‌اش را صاف می‌کند و از همین راه دارد نفس می‌کشد؛ والا بخواهیم روی کاغذ بیاوریم و ترازنامه اقتصادی بنویسیم، شاید دولت ما اصلاً ورشکسته باشد، اگر بخواهیم با مبنای طلایی بنویسیم یا هر مبنای درست و حسابی که ریال نباشد. به‌خاطر همین، ما الان مشکلی که داریم، در مواجهه با دولت است. دولت دارد از این راه زندگی می‌کند.

مسئله دوم مسئله بانک‌ها و سرمایه‌دارها هستند که آن‌ها هم صاحبان قدرتی هستند و شاید تعارض منافی پیش بیاید. ما نمی‌گوییم دولت کافر است و... بحث این نیست. بحث این است که این مجبور شده است تا به این نقطه رسیده است و یکی از مسائلش هم همین تحریم‌هاست. وقتی دولت در درآمد کسب کردن و آوردن پول و... با تحریم به مشکل می‌خورد، مجبور می‌شود آن موقعی که نمی‌تواند نفت بفروشد، با مسئله تورم مملکت را اداره کند؛ وگرنه مملکت می‌پاشد. چطور بدهی‌هایش را بدهد؟ نصف مردم که کارمند هستند، همه به‌قول معروف طلبکار دولت می‌شوند.

استاد: اجازه بدهید این را آقای دکتر علی‌نقی جواب بدهند که تخصصی‌تر است.

پاسخ

دکتر: شما جواب دادید که تنفس دولت است. دولت‌ها از این راه کسری بودجه‌شان را جبران می‌کنند؛ ولی یک مرحله جلوتر برویم ببینیم دولت چه کار می‌کند؟ وقتی تورم ایجاد می‌شود، دولت به‌عنوان یک مصرف‌کننده بزرگ، شما خودتان وقتی تورم ایجاد می‌شود، چه می‌شود؟ قدرت خریدتان کم می‌شود و مصرفتان بیشتر می‌شود، قدرت خریدتان بیشتر می‌شود و کسری بودجه می‌آورد.

دولت هم همین است. امروز اگر من کسری بودجه آوردم و پول خلق کردم، فردا هزینه‌هایم به ریال بیشتر از این خواهد بود و کسری بودجه بیشتری خواهم داشت، پس متضرر اصلی خواهم بود. اگر این کار را بکند، عملاً بیشتر به خودش ضربه زده است. همان‌طور که فرمودند، ام‌ضربدر وی داریم، پولی که دولت به‌عنوان کسری بودجه خلق می‌کند، ضرب در یک رقمی می‌شود که در ایران هفت یا هشت شده است و در کشورهای دیگر حدود ۳ یا ۴ است. هفت یا هشت برابر تورم ایجاد می‌کند؛ یعنی دولت یک‌هفتم اینجا کسری بودجه می‌آورد و پول چاپ می‌کند و مشککش را جبران می‌کند؛ اما ۸ برابر خودش و مردم متضرر می‌شوند؛ پس بهتر است که الان جلوییش را بگیرد.

ضمن اینکه فرمودند شاخص محاسبه به هم می‌خورد، دچار اشتباه محاسباتی می‌شویم. اگر دولت امروز بفهمد که یک‌سوم بودجه‌اش، کسری بودجه است و قدرتی ندارد، یک فکری برایش می‌کند. اگر با خلق پول جبران کرد، دچار آن اشتباه محاسباتی می‌شود و هفت یا هشت برابر مشکل پیدا می‌کند.

راه دولت این است: منابعش را از جای دیگر تأمین کند. مهم‌ترین منبع دولت در همه کشورها مالیات است. حالا خیلی از دوستان فقها مالیات را قبول ندارند؛ ولی به‌عنوان ابزار ضروری فعلی مستقیم مالیات بگیرد.

ما در یکی از گروه‌ها بحث بود که دولت این کسری بودجه را چه کار کند؟ من خیلی واضح و مستقیم گفتم که از راه دیگری دزدی کند. اگر قرار است با خلق پول این‌طور دزدی بشود، بیاید مستقیم از مردم بگیرد، حداقل ۸ برابر نمی‌شود. این بحث دولت.

بحث دوم، بحث بانک‌ها بود. بحث اصلی این است. روسیه، اخیراً خبرش را نمی‌دانم دیدید یا نه، سیصد تا بانکش را منحل کرد. با منحل کردن سیصد تا بانک الان یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های دنیا در اوکراین با روسیه است و قدرت پولش به هم نخورده است.

یعنی ما قرار نیست که اوضاع و احوال مملکت را دست یک عده بانک‌دار بدهیم که همه مردم ضرر کنند، انقلابمان به خطر بیفتد و

اسلاممان به خطر بیفتد، آقا ما با این بانکدارها نمی‌توانیم برخورد کنیم. راهش این است که برخورد کنیم.

الان دوستان هستند که دنبال انحلال بانک آینده هستند؛ به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کسانی که خلق پول کردند و عامل تورم هستند.

یک فرایند حلقوی که هر روز بزرگ‌تر می‌شود، مثل گردباد که از یک نقطه شروع می‌شود و هی گسترده می‌شود. اصل اینکه این چیز را دنبال هستیم، پول‌طلا یا نقدین، ما طرفدار نقدین هستیم، طلا و نقره، اصل بحث این است که جلوی این را بگیریم. ببینید یک سیلی دارد می‌آید و یک طوفانی می‌خواهد بشود، دستتان هم هست که بگیرید. ما الان می‌گوییم آقای دولت ما کمکت می‌کنیم با این نظریه جلوی این طوفانی که قرار است بیاید، بگیریم.

عرض کردم ضرر امروز را از مالیات تأمین کن. مردم اولش ممکن است فشار رویشان بیایند و اعتراض کنند؛ اما وقتی ببینند آن تورم کمتر می‌شود، راضی‌تر خواهند بود.

طلبه: بسم الله الرحمن الرحيم. سؤالی که بنده دارم این است که نظریه پول‌طلا بیشتر به درد به قول آقا بخش حاکمیتی می‌خورد؛ یعنی حاکمیت باید بیاید قانون بریزد و مشکل را حل کند. ما مردم الان یکی از روش‌هایی که مردم خودش دنبالش رفتند، استفاده از همین

نرم افزارهای خرید طلاهای آب شده و... هست، خود مردم دارند به این سمت می روند که متوجه می شوند که پولشان دارد نابود می شود، خودشان طلای آب شده می خرند که ارزش پولشان حفظ شود.

از یک طرف دیگر، حضرت آقا در پیام نوروزی گفتند که مردم در بخش های تولیدی سرمایه گذاری کنند؛ یعنی پولشان را در طلا و... سرمایه گذاری نکنند، واژه طلا و ارز را گفتند. حالا ما مردم مانديم بين اين دو حالت که آیا به دستور رهبر عمل کنیم؟ ما که خیلی بلد نیستیم پولمان را در بخش تولیدی ببریم و...

استاد: یک توضیحی را در رابطه با فرمایش آقا عرض کنم، آقا فرمودند مذاکره نکنید، مذاکره ضرر ماست. بعد از فرمایش آقا مسئولین اقتصادی گفتند ما برای تحقق این مقدار رشد، این مقدار سرمایه لازم داریم و نداریم. ما مجبوریم مذاکره کنیم و سرمایه بیاید. آقا فرمودند چرا سرمایه هایتان را در دلار و طلا ببرید؟ سرمایه تان را در تولید بیاورید! بعد فرمودند همین سرمایه های خرد کفایت می کند.

ما نظام پولطلا، نظام کنز طلا نیست؛ نظام پولی طلاست. کار پول چیست؟ مبادله. شما برای سرمایه گذاری برای تولید، پول لازم دارید. طرف مرغ خانه اش را که نمی تواند بیاورد که ما می خواهیم سرمایه گذاری فولاد بکنیم. این اول باید تبدیل به پول شود تا بعد بیاید. این پولی که تبدیل می شود، ریال باشد یا طلا باشد. ما حرفمان این

است. نرم‌افزاری که آمده است، نیامده است که ذخیره طلا کند. شما پول زیاد در نرم‌افزار بگذارید، قطعاً ضرر می‌کنید و نخواهید گذاشت؛ چون همیشه دل‌نگران هستید که این نرم‌افزار فرار کند و برود. شما از نرم‌افزار برای مبادله استفاده می‌کنید؛ یعنی ابزار پولی شما برای طلا می‌شود. توجه کردید؟

مثلاً امروز تا هفته دیگر می‌خواهید استفاده کنید؛ اگر خواستید این مصرف را سمت تولید بکشانید، با چه ابزاری استفاده می‌کنید؟ با ریال ضرر می‌کنید؛ چون شما امروز فرض کنید یک همت سرمایه‌گذاری کردید برای تولید، سال آینده بخواهید سود کنید، ریالی سود کردید؛ اما در واقع ضرر کردید.

به همین خاطر تولید مشکلی دارد به نام ضرر، ضرر سرمایه‌گذاری. توجه کردید؟ یا سرمایه‌گذاری باید دلاری باشد، امسال هم به خاطر تنزل ارزش دلار چنین مشکلی پیش آمد یا نظام جدیدی بیاید. پیشنهاد ما این است که اگر پول، طلا باشد، سرمایه‌گذاری واقعی می‌شود. سرمایه‌گذاری منفی صورت نمی‌گیرد و سرمایه‌گذاری مثبت می‌شود. تولید واقعی برای کشور مؤثر است نه غیرواقعی.

استاد: در این زمینه یک نکته‌ای است که معمولاً از آن غفلت می‌شود. این خلق پول، سرمایه نیست. متأسفانه این را توضیح نمی‌دهند و خیلی‌ها هم اطلاع ندارند که توضیح نمی‌دهند. خلق پول

عملاً هیچ است. هیچ سرمایه نخواهد بود. اینکه می‌گویند منابع ریالی صرف تولید بشود و تولید افزایش پیدا می‌کند، چند سال پیش یادتان است و یک فضای این‌طوری شد و سمت بورس رفت. نتیجه‌اش بالا رفتن شاخص‌های بورس شد و هیچ تولیدی اضافه نشد و سقوط بعدی شد.

در اقتصاد می‌گویند برخلاف آنچه که ما فکر می‌کنیم، اگر بخواهیم مثال بزنیم، پول اعتباری، بنزین نیست که بریزیم و ماشین حرکت کند. کلاً پول، روغن ماشین است. اگر از یک مقداری بیشتر بشود و بدون قاعده باشد، ماشین به روغن‌ریزی می‌افتد. شما هر چه بیشتر روغن در این ماشین بریزید، ماشین سرعتش بیشتر نمی‌شود و حرکت هم نمی‌کند.

اینکه فرمودند ما می‌گویید طلا بشود، یعنی عملاً این سرمایه‌های شما اگر به سمت تولید برود، تولید را اضافه نمی‌کند؛ مگر اینکه تبدیل به یک چیز واقعی بشود که به درد تولید می‌خورد، آن تبدیل به رشد بشود. این یک کمکی است به تولید که قبل از اینکه این سرمایه از پول تولید شده و از هیچ تولید شده را بخواهید تبدیل به سرمایه بکنید، این غیر از تورم و سیل آمدن در جامعه چیزی به وجود نمی‌آورد.

ما معتقدیم که همان طور که فرمودند، این پول را تبدیل به طلا کنیم و طلا در خط تولید بیاید که نه شما ضرر کنید و نه تولیدکننده. تولیدکننده آن موقع، سود واقعی اش را می بیند. الان تولیدکننده این را تولید می کند و فردا قیمتش دوبرابر می شود، دوبرابر می فروشیم. چقدر ارزش افزوده ایجاد شده است؟ ده درصد. ده درصد سود نمی کنم، صددرصد سود می کنم، ناشی از تورم. این را نمی فهمد. جامعه دارد ضررش را می کند، من فکر می کنم دارم خلق تولید می کنم.

خیلی از سرمایه دارهایی که ما داریم، می گویند کارآفرین باید قدر ببیند؛ درحالی که او به میزان تولید واقعی، باید قدر ببیند؛ اما آنی که از محل رانت و تورم دارد افزایش سرمایه می کند، قطعاً مدیون به مردم است و باید جلویش را بگیریم. از جیب من و شما رفته است.

آن بیست تومانی که هزینه کرده است، قاعدتاً ده درصد احتمالاً ارزش افزوده داشته است، یعنی ۲۰ تومان را می تواند ۲۲ تومان بفروشد، ۲۳ تومان بفروشد؛ بیشترش ضرر از بقیه جامعه است که دارد در جیبش می رود.

طلبه: فرقی با طلا این است که چون طلا تورم ندارد...

استاد: شما فرض کنید آن ده درصد، هفت درصدش، ارزش افزوده است و سه درصدش هم سودی که بنده خدا می کند.

هدف از این جلسه، تشویق علمای محترم به ورود به این مشکلات است. مقدار اندکی اطلاعات ضروری اقتصادی لازم است که ما موضوعات احکام و اخلاقیات جامعه را بررسی کنیم. ما در جامعه می‌بینیم که حرص هست. ما تصرفات غیر حلال را داریم می‌بینیم. آثارش را می‌بینیم. بحث زکات مسئله مهمی در جامعه است که باید مطرح بشود، زکات نقدین، دیات، کفارات و مباحث مهمی که مبتنی بر پول اسلامی است و به نظر من در جامعه باید تبیین بشود و این نیازمند به توجه علمای بزرگوار، محققین بزرگوار است که بالخصوص موضوعات مختلف که شاید نزدیک به صد موضوع برای این مسئله احصا شده است، ورود کنند و هر کدام بخشی را اقدام کنند و منسجم باشند. ان شاء الله خدا توفیق به ما بدهد و تشکر می‌کنیم از آقای منفرد برای اجرای این جلسه.

مجری: با تشکر از استاد محترم حاج آقای قائمی نیک و جناب آقای دکتر و قدردانی از حضور فعال همه عزیزان. ان شاء الله که همه فعالیت‌های علمی و عملی ما مرضی رضای خداوند و در راستای تحقق تمدن اسلامی باشد، ختم جلسه را اعلام می‌کنیم با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.